



Criminalization of Nakedness with Emphasis on The No-Harm Rule; Theoretical and Legal Challenges

Majid Nili¹, Mohammad Javad Baqizadeh*², Behnam Yousefian Shuredeli³

1. Ph.D Student of Jurisprudence and Criminal Law, Faculty of Theology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Criminal Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 49-60

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5282-9465

TELL: +982335225012

Email: baqizadeh@gmail.com

Article history:

Received: 28 Aug 2024

Revised: 01 Dec 2024

Accepted: 22 Jan 2025

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

No-Harm Rule, Nakedness, Criminalization, Freedom, Legal Protectionism.

ABSTRACT

In recent years, in particular, the issue of hijab has become one of the most important social issues and there have been disagreements about it, and some opponents of not wearing the hijab believe in criminalizing and using the guarantee of criminal execution for not wearing the hijab. This article is the percentage of the investigation of the criminalization of hijab with emphasis on the rule of negation of harm and its theoretical and legal challenges. This article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned subject by using the library method. From the point of view of the no-harm rule, non-observance of covering can cause irreparable mental and psychological damages and disturb people's comfort. The rule of harmlessness, which has been consistently used by public and private jurists in the case of material damages, can also be used in the case of spiritual damages by analyzing the narration of the Prophet (peace be upon him). However, the criminalization of nakedness faces criminological challenges from the point of view of the no-harm rule. The principles governing sociological criminalization, are not suitable for criminalizing non-observance of covering in a religious society, but the Islamic government can by appealing to the verses and traditions and clinging to the duty-oriented principle of divine decrees and in terms of the principles of moral damages In its shamelessness and inexcusability, limit people's freedoms and initiate criminalization and finally punish those who are guilty of it.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Nili, M; Baqizadeh, MJ & Yousefian Shuredeli, B (2025). "Criminalization of Nakedness with Emphasis on The No-Harm Rule; Theoretical and Legal Challenges". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(1): 49-60.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

جرم‌انگاری بی‌حجابی با تأکید بر قاعده نفی ضرر؛ چالش‌های نظری و حقوقی

مجید نیلی^۱، محمدجواد باقی‌زاده^{۲*}، بهنام یوسفیان شوره‌دلی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشکده الهیات، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق جزا، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسؤؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

در سال‌های اخیر به‌ویژه، بحث حجاب به یکی از موضوعات مهم اجتماعی تبدیل شده است که در خصوص آن اختلاف نظر وجود داشته و برخی مخالفان بی‌حجابی معتقد به جرم‌انگاری و استفاده از ضمانت اجرای کیفری برای بی‌حجابی هستند. مقاله حاضر درصد بررسی جرم‌انگاری بی‌حجابی با تأکید بر قاعده نفی ضرر و چالش‌های نظری و حقوقی آن است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. از منظر قاعده لاضرر، عدم رعایت پوشش می‌تواند باعث خسارات جبران‌ناپذیر روحی و روانی و برهم‌زدن آسایش افراد گردد. قاعده لاضرر که توسط فقیهان عامه و خاصه، پیوسته در مورد خسارات مادی به‌کار رفته است، با تحلیل روایت مأثور از پیامبر اکرم (ص) می‌تواند در مورد زیان‌های معنوی نیز به‌کار رود، اما جرم‌انگاری بی‌حجابی از منظر قاعده لاضرر با چالش‌های جرم‌شناختی مواجه است. اصول حاکم بر جرم‌انگاری جامعه‌شناختی، از قبیل اصل پدرسالاری یا حمایت‌گرایی قانونی و یا حمایت‌گرایی اخلاقی برای جرم‌انگاری عدم رعایت پوشش در جامعه دینی مناسب نیست، بلکه حکومت اسلامی می‌تواند با توسل به آیات و روایات و تمسک به اصل تکلیف‌مداری احکام الهی و به‌لحاظ اصول خسارات باری معنوی در بی‌حجابی و توجیه‌ناپذیری آن، آزادی‌های افراد را محدود و مبادرت به جرم‌انگاری و درنهایت تعزیر مستتکفین آن نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۹-۶۰

اطلاعات نویسنده مسؤؤل

کد آرکاید: ۹۴۶۵-۵۲۸۲-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۲۳۳۵۲۲۵۰۱۲

ایمیل: baqizadeh@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

قاعده لاضرر، بی‌حجابی، جرم‌انگاری، آزادی، حمایت‌گرایی قانونی.



مقدمه

انسان از بدو خلقت به‌عنوان یک نیاز اولیه به پوشش اهمیت می‌داده است و با تکامل بشر، این پوشش، به‌شکل‌های متنوعی و تحت تأثیر عوامل مختلفی، از قبیل اقلیم و عوامل فرهنگی دچار تغییر شده است. امروزه مسأله حجاب یکی از موضوعات مهمی است که مورد بحث و بررسی گروه‌های مختلف در دنیا قرار می‌گیرد و عده‌ای این مسأله را موافق و یا منافی آزادی می‌دانند. قبل از این که به موضوع این نوشتار که به مسأله جرم بودن یا نبودن عدم رعایت پوشش در جامعه اسلامی ایران می‌پردازد، بهتر است ابتدا به تبیین «حجاب» پرداخته شود. این واژه به‌معنای پوشش و پرده و یا حائل شناخته شده و در زبان عرب، به‌معنای پوششی است که مانع از دیدن شی‌ای محبوب می‌شود. چنین پوششی حجاب محسوب می‌شود که به‌واسطه پشت پرده واقع شدن محقق می‌شود (کاظم‌پور ساریدرق و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷-۶۹). عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و روابط اجتماعی انسان‌ها نیز در تکامل و تنوع شکل و نوع پوشش نقش مهمی بر جای گذاشته است. اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی ارسال شده برای تکمیل ادیان قبلی و ارائه آموزه‌های تکمیلی برای کمال بشر از مقوله پوشش و حجاب غفلت نکرده و به‌طور مفصل به آن پرداخته است. از تمامی آیات و روایات براساس نص صریح و همچنین برداشت‌های فقه‌ها، حجاب برای زنان واجب شرعی عنوان شده است. «... درواقع پوشش و حجاب یکی از احکام ضروری اسلام به‌شمار می‌رود و خداوند متعال برای ارج نهادن به مقام والای زن، پوشش و حجاب را بر او واجب کرد تا در سایه عفاف و تقوی به مقام قرب الهی نائل شود» (قرآتی، ۱۳۸۳: ۲۱۳-۳۷). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر! به‌همسران و دختران و زنان مؤمنین بگو: جلیباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۳۱/۳) و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب/۵۹) حضرت علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) می‌فرماید: «اَكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَىٰ

عَلَيْهِنَّ؛ زنان باید در حجاب باشند تا چشم نامحرمان آن‌ها را ننگرند، همانا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است» (دشتی، ۱۳۸۶: ۳۱). پوشش زنان در سایر ادیان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در تورات آمده است: «رفقه چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟ خادم گفت: آقای من است، پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید» (تورات/۶۵-۶۴).

مسأله‌ای که در جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب باید مد نظر قرار گیرد، این است که اساساً آیا الزام به حجاب با موضوع آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد منافات دارد یا خیر. واژه «آزادی» در لغت به‌شکل‌های گوناگونی تفسیر و تعبیر شده است، از قبیل عدم وجود سد و مانع در راستای تحقق خواسته‌های انسان (موحد، ۱۳۶۸: ۳۵۹)، مسون بودن از استبداد و یا اراده مستبدانه افراد دیگر (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۳۱)، مواجه‌نبودن با موانع بر سر راه پیشرفت، اعتلا و ترقی (آقابخشی و افشاری، ۱۳۷۹: ۱۶۴). انسان، به‌ماهو انسان از دو نوع آزادی برخوردار است: آزادی تکوینی و آزادی تشریحی و کسی نمی‌تواند عقیده خاصی را به وی تحمیل نماید و هیچ‌گونه موانع طبیعی و یا ماورای طبیعی در این راستا برای انسان وجود ندارد. درواقع از دیدگاه فلسفی انسان موجودی آزاد خلق شده است (موسوی همدانی، ۱۳۸۲: ۱۳۹/۱-۱۱۰). از دیدگاه تشریحی نیز انسان قادر است بدون دخالت نیروی استبدادی از حقوق ذاتی خود بهره‌مند گردد و انتخابگر باشد، درواقع انسان باید قادر باشد از آزادی تکوینی خود به‌شکلی معقول بهره‌مند گردد. در قرآن مجید نیز موضوع آزادی انسان با واژه‌های مختلفی به‌میان آمده است که می‌توان به آیه ۱۷۸ سوره بقره، آیه ۹۲ سوره نساء، آیه ۸۹ سوره مائده، آیه ۳ سوره مجادله اشاره نمود. در این آیات شریفه، از لغت «حر و تحریر» استفاده شده است. همچنین خداوند متعال با اشاره به موضوع حریت در سوره آل عمران آیه ۳۵ به‌نوعی به آزادی حقوقی افراد اشاره مستقیم دارد و آن را نعمتی از نعمات الهی برمی‌شمارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۲۹). «إِذْ قَالَتْ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران/۳۵)، البته نباید از این موضوع غفلت نمود که آزادی نیز مانند هر نعمتی،

برای تحلیل جرم‌انگاری عدم رعایت پوشش براساس قاعده لاضرر ابتدا لازم است تبیین شود که منظور از ضرر در قاعده لاضرر، ضرر معنوی نیز می‌باشد. ضرر در مفهوم اصطلاحی در مقابل منافع به‌کار می‌رود. کسی که به دیگری ضرر می‌رساند، یعنی منافع او را ضایع ساخته است.

«یکی از ادله اصلی به‌کاررفته از سوی صاحب‌نظران در مسائل فقهی درجهت اثبات مشروعیت اخذ خسارت معنوی، قاعده لاضرر است. در حدیثی از نبی مکرم اسلام آمده است: «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» که این حدیث در نتیجه رفتار فردی بود که به بهانه نخلی در حیاط خانه مرد انصاری کاشته بود، گاه بی‌گاه بدون اجازه صاحب‌خانه وارد خانه او می‌شد و با این کار باعث آزرده‌گی خاطر او می‌گردید و پیامبر اسلام (ص) در پی شکایت مرد انصاری حدیث بالا را انشاء فرمودند و در نتیجه این حدیث قاعده‌ساز، حکم به قطع درخت نمودند» (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۱۹۲/۱).

«در مورد حدیث لاضرر اقوال گوناگونی ذکر شده است که به قرار ذیل می‌باشد: ۱- مفاد حدیث، نفی ضرر به‌معنای زیان جبران نشده است؛ ۲- مفاد حدیث، نهی ایجاد ضرر برای دیگران است؛ ۳- مفاد حدیث، نفی حکم ضرری است» (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۱۹۳/۱).

«با اندکی تعمق و مذاقه در شأن نزول روایت پیامبر (ص) به سادگی می‌توان دریافت که منظور پیامبر از ضرر وارده در این مورد خاص خسارت معنوی بوده است که بر صاحب‌خانه وارد شده است» (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱۸/۲). ضرر معنوی در این حدیث نفی آزار و اذیتی بوده است که صاحب درخت بدون اجازه صاحب‌خانه وارد منزل او می‌شده است. آزرده‌گی و اذیت روحی خسارت معنوی است. در قوانین جزایی ایران امت تعریفی از ضرر مادی نشده است، با این حال، به‌نظر می‌رسد هر نوع کسر ثروت و دارایی و یا از بین رفتن مال جان، حیثیت و یا منافع اشخاص یا ضرر روحی و روانی به‌واسطه ارتکاب جرم را ضرر مادی می‌گویند (آخوندی، ۱۳۶۸: ۱-۵۶/۲). ضرر معنوی ناشی از جرم عبارتند از لطمه‌ای که به یک حق غیرمالی اشخاص وارد می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۳۳۲۸). دکتر جعفری لنگرودی ضرر معنوی را این‌گونه تعریف می‌کند: «ضرر

وسیله‌ای است برای آزمایش انسان‌ها «وَإِذْ نَبَّيْنُكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره/۴۹). تمامی این آموزه‌های دینی با یک هدف ارائه شده‌اند و آن چیزی نیست جز کرامت و تعالی انسان (مؤمنون/۱۴؛ اسراء/۷۰).

۱- قاعده لاضرر و جرم‌انگاری عدم رعایت پوشش

در این قسمت به بررسی قاعده لاضرر و جرم‌انگاری عدم رعایت پوشش پرداخته می‌شود.

۱-۱- قاعده لاضرر

قاعده مشهور «الضرر و الضرر» به‌منظور حفظ حقوق بشر (مهرپور، ۱۳۷۷: ۲۳) و تنظیم روابط فردی و اجتماعی و عدم زورگویی و تسلط فردی بر دیگری و به تبع جلوگیری از اختلافات در جامعه ارائه شده است. منشأ اصلی این قاعده روایات متعددی از پیامبر اکرم «ص» است که عبارت‌الضرر و الضرر در آن به‌کار رفته و بسیاری از فقها و راویان احادیث آن‌ها را نقل کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۱۹۱/۱). اهمیت این قاعده آنقدر زیاد است که برخی فقها از آن به‌عنوان یکی از چهار رکن فقه اسلامی قلمداد می‌کنند (محمضانی، ۱۹۸۲: ۲۳) و برخی نیز آن را از ضروریات دین اسلام شمرده‌اند (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱۷/۲). این بهره‌برداری از مفهوم نفی ضرر در نظام‌های حقوقی غیراسلامی نیز مشاهده می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۳۸۲).

«قاعده لاضرر از اساسی‌ترین و معروف‌ترین قواعد فقه اسلامی است و باتوجه به مدارک و منابع چهارگانه فقه می‌توان به آن استناد کرد. در اغلب نظام‌های حقوقی معاصر تحت عنوان عدم جواز سوءاستفاده از حق مطرح شده است و می‌توان گفت منشأ عقلی دارد و بنای عقلا بر این قاعده استوار است. از جمله حقوق مدنی فرانسه حدود هفتاد دهه گذشته، در حقوق کامن‌لا مربوط به انگلستان در حدود نه دهه پیش و نیز در آمریکا و کانادا و استرالیا، بحث اصلی آن مطرح شده است، ولی باوجود همه این‌ها، اسلام این مسأله را ۱۴۰۰ سال پیش، طرح نموده است» (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۶۷/۱).

۱-۲- جرم‌انگاری عدم رعایت پوشش براساس قاعده لاضرر

می‌تواند از دادگاه رسیدگی به میزان خسارت معنوی ناشی از جرم را از مرتکب تقاضا نماید.»

باید توجه داشت که از منظر فقهی «اساساً تبرج و خودنمایی زن در اجتماع و معاشرت‌های آزاد، سبب انحراف جنسی می‌شود و عدم پوشش در زن، مایه تباهی و فساد می‌گردد» (اشتهاردی، ۱۳۹۴: ۷۶). حفظ حریم میان زن و مرد و رعایت عفت عمومی در قالب پوشش کامل، جامعه را از پیامدهای ناشی از بی‌بندوباری حفظ می‌کند. تکلیف به حجاب نیز همچون دیگر احکام و قواعد حقوقی دین، به‌منظور تأمین سعادت همه‌جانبه بشر است، چون انسان موجودی اجتماعی است و مصالح او تا حد زیادی به هم‌سویی و هم‌گامی با دیگران بستگی دارد. بی‌شک، پایبندنبودن به تکلیف مهم حجاب، جامعه را دچار انواع مشکلات روانی و مشغولیت‌های فکری ناصواب می‌کند و در نتیجه، به‌عقب‌ماندگی فرهنگی جامعه دامن می‌زند.

۲- چالش‌های نظری در ضرورت جرم‌انگاری پدیده بی‌حجابی باتوجه به مفهوم آزادی و تکلیف‌مداری

در این قسمت به بررسی چالش‌های نظری در ضرورت جرم‌انگاری پدیده بی‌حجابی باتوجه به مفهوم آزادی و تکلیف‌مداری پرداخته می‌شود.

۲-۱- تحلیل آزادی از دیدگاه فقها و نویسندگان علوم اجتماعی تعاریف متعددی برای آزادی از سوی محققین و به‌ویژه حقوق دانان نیز ارائه شده است، مثلاً برخی، آزادی فردی را دارابودن استقلال و اختیار فرد در راستای انتخاب رفتار و اعمال خود. آزادی حقی خدادادی است که حکومت‌ها و صاحبان قدرت موظف به رعایت و پاسداری از آن هستند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۰۷/۳-۴۰۶). حق فطری و طبیعی بودن آزادی بشر و غیرقابل سلب‌بودن آن، منطبق بر نص صریح اسلام است؛ انسان «إمّا شاکراً و إمّا کفوراً» است و باید آزاده «لا تکون غیرک و قد جعلک الله حراً» باشد (دشتی، ۱۳۸۶: ۳۵). آزادی، تکوینی است و ریشه در نهاد و ذات انسان دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). از نگاه برخی حقوق‌دانان آزادی به انواع گروه‌های آزادی فلسفی، آزادی عرفانی، آزادی اجتماعی - سیاسی، آزادی بیان نیز تقسیم‌بندی شده است. بسیاری نیز بر این عقیده هستند که

معنوی، ضرری است که به عرض و شرف متضرر، یا یکی از اقارب او وارد می‌شود. این خسارت طبق قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ قابل مطالبه است.»

خسارات معنوی در قانون مجازات اسلامی ماده ۵۸ قانون‌گذار مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم در مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مرتکب، طبق موازین اسلامی ضامن است، در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنان‌چه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.»

در ماده ۹ این قانون، مقرر می‌داشت: «شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می‌شود و به‌تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان می‌کند، مدعی خصوصی است و مادامی که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده شاکی خصوصی نامیده می‌شود.» در بند ۲ این ماده مقرر شده بود: «ضرر و زیان معنوی عبارتند از: کسر حیثیت و اعتبار اشخاص یا صدمات روحی.» متأسفانه قانون فوق با تصویب قانون آیین دادرسی جدید حذف گردید، ولی در ماده ۱۱۲۷ قانون آیین دادرسی جدید این‌گونه آمده است: «مدعی خصوصی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند.» در تبصره ۱ این ماده یادشده زیان‌های معنوی تعریف شده است که عبارتند از: صدمات روحی یا هتک حیثیت یا اعتبار شخصی یا خانوادگی که جبران آن از طریق اعاده حیثیت و اعتبار و یا تعیین میزان هزینه‌های رفع صدمات روحی پس از اخذ نظر کارشناسی صورت می‌گیرد.

علی‌رغم این‌که در قوانین به‌صورت صریح امکان مطالبه ضررهای معنوی اشاره نشده بود، ولی قانون‌گذار در سال ۱۳۳۹ به‌طور صریح در ماده ۱ اشاره نموده است که: «هرکسی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارتی ناشی از عمل خود می‌باشد.» (قانون مسؤولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹) در ماده ۲، قانون‌گذار اشاره دارد: «زیان‌دیده از جرم، جرم مادی یا معنوی

آزادی، یعنی این‌که انسان حق دارد هر فعل و رفتاری که قانون اجازه داده (یا اجازه می‌دهد) را بروز دهد و به‌تبع مجبور به انجام فعل یا رفتاری نباشد که که قانون آن را منع کرده است. در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق «بهره‌مندی از پوشاک» به میان آمده است: «هرکس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن، پوشاک و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.»

اگرچه به‌طور مستقیم بر حق «انتخاب» پوشش تأکید نشده است، اما می‌توان با دریافت از ماده ۱۸ و ۱۹ این اعلامیه که بر حق آزادی ابراز عقیده و دین به‌طور خصوصی، عمومی و بدون بیم و هراس تأکید می‌کند، می‌توان برداشت کرد که حق انتخاب نوع پوشش نیز یکی از حقوق بشر می‌باشد.

حال سؤال اینجاست که چه رفتارهایی می‌تواند جرم انگاشته شود؟ اغلب حکومت‌ها چه دینی و چه غیردینی متفق‌القول هستند که رفتارهای آدمی که متضمن سلب آزادی دیگران باشند، می‌تواند جرم قلمداد شوند. دولت می‌تواند کنش‌های افراد را که دارای ظرفیت ضرر و یا لطمه‌ای به دیگران باشد را از میان برداشته یا کاهش دهد (الهیان، ۱۳۹۶: ۵۱۷)، البته نگرش به این اصل در مواردی که رفتارهای غلط فردی، ناخواسته به دیگران ضرر می‌زند و یا رفتارهایی که توأم با معاذیر قانونی و یا توأم با رضایت قربانی می‌باشد، ضرر شامل آن نمی‌شود و جزء معاذیر قانونی می‌باشد. اصل عدم ایجاد مزاحمت برای دیگران بر ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای آزاردهنده به دیگران تأکید می‌کند. رفتارهای مزبور در مقایسه با اصل عدم ضرر که رفتارهای موجب نقض حقوق و یا مانع منافع اشخاص است، به کنش‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که موجبات و اسباب اذیت و آزار دیگران را فراهم می‌سازد و ضرورت دارد این رفتارها همچون افشای سر ارتکاب فحش‌های علنی هرزه‌نگاری، جرم‌انگاری شوند تا افراد جامعه از فاعلین این‌گونه رفتار در امان بمانند.

البته برای این‌که ضرورت جرم‌انگاری در این اصل توجیه‌پذیر باشد، باید به شرط دیگری نیز توأم گردد که باید رفتار آزاردهنده علنی و آشکارا از فرد بروز کند، زیرا اگر رفتار زننده و آزاردهنده پنهانی باشد، ضرورت مقابله با آن در حوزه اخلاق قرار می‌گیرد نه کیفردهی. شرط دیگر این‌که باید رفتار آزاردهنده غیرقابل توجیه و یا غیرقابل دفاع باشد. بنابراین هر فردی نباید با توسل به اصل مزاحمت مورد اتهام و جرم‌انگاری قرار داده شود و دولت باید رفتارهایی را که با داشتن این دو شرط همراه هستند، آزاردهنده می‌باشند، مورد سیاست کیفری خود قرار دهد. اگر بپذیریم که اصل بر آزادی انسان است و اعمال محدودیت از طریق جرم‌انگاری استثناء محسوب می‌شود، باز اثبات ضرورت جرم‌انگاری جرم برعهده کسانی است که اراده محدودیت آزادی انسان را دارند. **جانان شنشک** با ابداع روش پالایش خود بر فرایند جرم‌انگاری رفتاری، معتقد است تبدیل رفتار عادی به رفتار سیاهه قوانین کیفری، باید از سه مرحله، اصول، پیش فرض‌ها و کیفردهی عبور نماید (حبیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۴). به این ترتیب ابتدا باید ثابت شود که رفتار براساس یک‌سری از اصول نظری، راجع به جرم‌انگاری وارد حوزه جرم شده است یا خیر؟ مثل اصل عدم صدمه یا اصل عدم ضرر به دیگران و در گام دوم روش‌هایی به‌کار گرفته شوند که واجد کمترین مزاحمت برای افراد هستند، در مقایسه با روش‌هایی که بیشترین مزاحمت را دارند، در برخورد با روش‌های مجرمانه باید استفاده شوند و با دلایل قطعی حکومت باید ثابت کند، هیچ راهی جز کیفردهی مورد نظر وجود ندارد. در مرحله سوم عواقب جرم‌انگاری رفتاری توسط حکومت مورد بررسی قرار می‌گیرد. تصویب کیفردهی و اجرای کیفر، چه پیامدهایی برای جامعه دارد. باید سود و زیان قانون در قانون کیفری بررسی شود که اگر جرم‌انگاری یک رفتاری، فوایدی بیشتر از عدم جرم‌انگاری داشت رفتار مورد نظر را جرم تلقی و الا باید حکومت از کیفردهی آن رفتار صرف نظر کند. بنابراین برای پدیده بی‌حجابی حکومت باید رفتار مجرمانه تلقی کند، برای این منظور باید ابتدا ضرورت جرم‌انگاری این پدیده به اثبات برسد و سپس توجیه گردد که تنها راه مقابله با آن وضع مجازات است. جرم‌انگاری بی‌حجابی را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد، اگر بپذیریم که حجاب تکلیف‌مدار است نه حق‌مدار و

پدیده‌ای اجتماعی است و نه فردی، حکومت اسلامی می‌تواند این پدیده را جرم‌انگاری نماید.

۲-۲- ضرورت جرم‌انگاری بی‌حجابی از منظر تکلیف‌مداری

براساس ادله قائلین مربوط به حق‌مداربودن پدیده حجاب و باتوجه به ویژگی‌های آن، از جمله اسقاط‌پذیری حق و نقل‌پذیری، حکومت اسلامی نمی‌تواند افراد را به رعایت پوشش اسلامی الزام نمایند، اما بنا بر ادله تکلیف‌مداربودن و ویژگی‌های آن، از جمله عدم جواز اسقاط و عمومیت احکام برای همگان و لزوم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، بی‌حجابی نمی‌تواند در جامعه مهمل و رها واگذار شود، لذا التزام به حجاب براساس ادله لزوم، تنظیم قواعد امره از ناحیه قانون‌گذار را می‌طلبد، بنابراین با اثبات تکلیف‌مداربودن حجاب، جرم‌انگاری بی‌حجابی خودبه‌خود به اثبات می‌رسد (الهیان، ۱۳۹۶: ۵۱۴). با بررسی از ادله شرعی دریافته می‌شود که مسأله حجاب در نظام تشریحی موقعیتی ممتاز داشته و شارع با استفاده از اوامر و نواهی مستقیم، خود آن را واجب کرده است و گستره این بحث در آیات و روایات به‌خوبی مشهود است. در دوران امر بین حق و تکلیف اصل بر عدم حق است، به‌عبارت دیگر در صورت شک بین حق و اصل عدم حق، اقتضا دارد تکلیف‌مداربودن را انتخاب کنیم که با نفس حق داشتن، مکلف‌بودن شخص نیز اثبات می‌شود. براساس اصل استصحاب نیز در صورت فقدان ادله لفظی و دوران امر بین عقل و حکم، باید به اصول عملیه مراجعه نماییم، حق حجاب‌داشتن و قابل‌نقل و انتقال‌بودن آن نیازمند دلیل است. در صورت وجود سابقه عدم وجود آثار حق به اصل استصحاب توسط نماییم (نایینی، ۱۴۰۹: ۲۰۸). در متون فقهی هم نصوصی که از آن برداشت حق‌بودن حجاب و اسقاط‌پذیری آن در مورد زنان اهل ایمان باشد نیز نمی‌توان یافت. باتوجه به این ادله‌ها و نفی فردی‌بودن حق حجاب می‌توان بر مبنای تکلیف‌مداری و حفظ انتظام جامعه دینی، حکومت اسلامی را مکلف به جلوگیری ناهنجاری بی‌حجابی را جرم‌انگاری آن نمود.

۳- نظرات چالشی در توجیه جرم‌انگاری بی‌حجابی باتوجه به نظرات جامعه‌شناختی

«براساس مطالعات جامعه‌شناختی، حجاب یک کنش اجتماعی است، یعنی فرد کنشگر برای آن معنای ذهنی و ارزش نمادین قائل است و عمل یا کنش خود در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی و تحت تأثیر دریافت انتظارات دیگران در حوزه عمومی می‌باشد. حجاب دارای چهار لایه مفهومی اصلی است که عبارتند از: باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها. باورها، ارزش‌ها و هنجارها دارای وجوه ذهنی و اعتباری است و برای درک عینیت حجاب و تحلیل آن، باید به آن‌ها مراجعه و استناد کرد. باورها مشروعیت‌بخش ارزش‌ها و ارزش‌ها توجیه تولیدکننده هنجارها و نمادها نیز نماینده و تجلی‌بخش هنجارها هستند که در رفتار و کنش اجتماعی عینیت می‌یابد. بدحجابی پدیده پیچیده و چندوجهی و ناشی از علل مختلف است و نوعی آسیب اجتماعی در جامعه ایران محسوب می‌گردد که در صورت مهارنشدن آن، می‌تواند به بحران تبدیل شود» (صالحی و ملکی راسته کناری، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۱۵). بی‌حجابی را می‌توان از دو جهت جامعه‌شناختی بررسی کرد: از یک طرف بی‌حجابی خلاف آشکار اعتقادات و هنجارهای اسلامی بخش قابل توجهی از متدینین کشور است و نوعی کج‌رفتاری به‌شمار می‌آید، و از سوی دیگر چون بی‌حجابی نقض قوانین کشور است و برابر قانون مجازات اسلامی در مورد آن‌ها جرم‌انگاری صورت گرفته است.

۳-۱- جرم‌انگاری بی‌حجابی براساس دیدگاه جامعه‌شناختی

کلاسیک

در نظریه جامعه‌شناختی کلاسیک مبتنی بر رویکرد عقل‌گرایانه است. رفتارهای انسان‌ها در این اصل مبتنی بر هدف‌داری و محاسبه‌گری و سود و زیان می‌باشد. رفتارهای مجرمان نیز بر پایه تصمیم‌گیری فردی و سودگرایانه و سنجش بر میزان پیامدهای منفی و مثبت ارتکاب جرم است. برای جلوگیری از کج‌رفتاری‌ها و هنجارشکنی‌های مجرمین باید هزینه ارتکاب جرم را برای آنان بالا برد و به تقویت عوامل بازدارنده همانند مجازات‌ها و ابزارهای پلیسی و ... پرداخت (ولد و برنارد، ۱۳۸۰: ۸۵). جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که فاقد ارزش‌ها رفتارهای قابل احترام باشد، بنابراین نقض این هنجارها واکنش‌های اجتماعی را در جامعه به‌دنبال خواهد داشت و مقوله حجاب نیز رفتار و ارزش قابل احترام در جامعه است و براساس رویکرد

نظریه فشار مبتنی بر فشارهای اجتماعی بر فرد مجرم و در نهایت به وجود آمدن رفتارهای انحرافی اوست. براساس این نظریه جرم محصول خود جامعه است نه محصول ویژگی‌های فردی و شخصی خود مجرم. جرم بی‌حجابی براساس نظریه فشار ناشی از پدیده‌های اجتماعی می‌باشند، بنابراین باید ساختارهای اجتماعی مورد آسیب‌شناسی قرار گیرند تا موجبات شناسایی جرم و درمان مجرمان فراهم گردند (پیکا، ۱۳۹۱: ۲۱۰). «این دیدگاه بی‌حجابی را جرم می‌دانند و واکنش در برابر جرم را از نوع افزایش فرصت‌ها در اصلاحات رفتاری و برنامه‌پذیر کردن مجرم می‌شناسد. برای رفع بی‌حجابی در این نظریه، راهکارهایی همچون تسهیل ازدواج، برنامه‌های آموزشی، در نظر گرفتن اماکن و راهکارهای حمایتی پیشنهاد می‌شود. این‌گونه برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای عموم زنان موجب شده است زنان را در چالش‌های جدی قانون‌پذیری و جامعه‌پذیری قرار دهد» (عمامی، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۸۷) و آنان کمتر به فکر کشف حجاب برآیند.

۳-۴- جرم‌انگاری بی‌حجابی براساس دیدگاه جامعه‌شناختی

برچسب‌زنی

این نظریه سنجش و فرایندی است که افراد دارای مناسب قدرت کنش‌های افراد خاص و معین را به‌عنوان کنش‌های مدیره تعریف می‌کند و پیامدهای منفی این دیدگاه این است که ممکن است مجرم نقشی را که برچسب بر او نسبت داده است را بپذیرد و در نهایت، مجرم در اعمال مجرمانه خود غوطه ور و غرق می‌شود و یا افراد همانند خود شبیه‌سازی کرده و به همکاری دیگر ترغیب می‌کنند (نوذری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰۹-۵۰۰). بنابراین در جرم بی‌حجابی باید با افراد بدون پوشش یا کم‌حجاب تا حد ممکن با مسالمت و غیرامنیتی برخورد شود و نباید این‌گونه افراد با جرم‌انگاری یا واکنش‌های اجتماعی بازداشت و حبس و شلاق روبه‌رو شوند.

۳-۵- جرم‌انگاری بی‌حجابی براساس دیدگاه جامعه‌شناختی

فمینیسم

این نظریه میان خصوصیات زنانگی و مردانگی در خصوص آزادی مطلق قائل به تفکیک نیست، به عبارت دیگر نظریه پردازان با اعتقاد فمینیسم معتقدند زن دارای آزادی مطلق است،

عرضه و تقاضا، علاوه بر تعقیب بزهکار، یعنی مردان در بی‌حجابی، رفتار زنان عرضه‌کننده نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و رفتار آنان نیز سرزنش و نکوهش خواهند شد، زیرا بیانگر این پیام هستند که به‌راحتی می‌توانند از ناحیه مردان کج‌رفتار مورد دسترس قرار گیرند (حیدری و امیریان فارسانی، ۱۳۹۹: ۱۷۳-۱۹۶). در این صورت نقض هنجارها سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد شد، لذا باید برای عرضه‌کنندگان جرم بی‌حجابی برای عمل ضد‌هنجار خود هزینه‌ای سنگین تحمیل گردد و دولت و دستگاه‌های حاکمه وظیفه سنگین به‌عهده دارد که اعمال و مجازات که برای ارتکاب چنین جرمی ارتکاب آن را برای زنان بی‌حجاب پرهزینه‌ای را وضع نماید.

۳-۲- جرم‌انگاری بی‌حجابی براساس دیدگاه جامعه‌شناختی

اثبات‌گرایانه

براساس نظریه اثبات‌گرایی، بی‌حجابی ناحیه بیماری ناشی از عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی فرد بی‌حجاب می‌باشد، به عبارت دیگر مشکلات رفتاری و نقض وفاق اجتماعی نوعی نارسایی و آسیب فردی، زیستی محیطی، روانی، اجتماعی، ارتباط تنگاتنگ دارند. باید هیأت حاکمه به جای پرداختن به مسأله جرم‌انگاری و کیفردهی باید توجه خویش را به درمان زنان بی‌حجاب اختصاص دهد و خصوصیات هر فردی با دیگری تفاوت دارد، بنابراین درمان به‌صورت فردی انجام پذیرد و چه‌بسا یک مجازات برای فردی مفید ولی برای فرد دیگر مضر باشد و نمی‌توان یک مجازات برای همه بیماران به‌صورت یکسان تجویز نمود (رابرت، ۱۳۹۰: ۱۰۱). بنابراین عوامل فردی و اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی در جرم بی‌حجابی باید مورد مطالعه قرار گیرد. براساس این نظریه مجازات فرد بی‌حجاب امری نادرست می‌باشد، دولت‌ها صرفاً در صورت کمک به بهبود مشکلات او، می‌توانند رفتار جامعه‌ستیزانه او را تصحیح کنند و به تنبیه و مجازات او بپردازند، در غیر این صورت مواجهه با معضل حجابی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد.

۳-۳- جرم‌انگاری بی‌حجابی براساس دیدگاه جامعه‌شناختی

فشار

توجیه کیفردهی اجتماعی دولت‌ها باید به اصول شایسته و قابل دفاعی تمسک جویند.

نظریه جرم‌انگاران جامعه‌شناسی بر پایه دو اصل استوار است:

۱- نظریه جامعه‌شناسی جرم‌انگاران بر پایه پدرسالاری قانونی یا حمایت‌گرایی قانونی؛ ۲- نظریه جامعه‌شناسی جرم‌انگاران بر پایه اخلاق‌گرایی قانونی (هارت، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۱).

نظریه اول بر این مبنا استوار است که دولت برای تحقق خیر و سعادت افراد جامعه و برای جلوگیری از آسیب‌زدن افراد به خود و چون پدری مهربان رفتارهایی را الزام و یا ترک آن رفتارهای را از احاد جامعه بخواهد. درواقع نوعی اقتدار اعمال شده از بالا و به‌منظور هدایت کسانی که در پایین قرار دارند، اعمال می‌شود که با الگوگیری از رابطه پدر و فرزندی، نظام سیاسی را با توسل به قدرت جابرانه و از طریق تصدی حاکمیت صورت می‌دهد (حجاریان، ۱۳۷۴: ۵۷-۴۵). پدرسالاری یا حمایت‌گرایی جمعی، می‌تواند دلیل مناسبی را برای دخالت دولت به او بدهد. حکومت می‌تواند به اعتبار حمایت روانی و یا اقتصادی و به‌دلیل جلوگیری از اضرار افراد به خود رفتارهایی را از آنان منع به رفتارهای وادار کند. این تئوری در مقوله پدیده جرم بر این عقیده است رفتارهایی که آسیب به فرد می‌زند باید جلوگیری شود، چون با کرامت انسانی آنان در تضاد است، لذا دولت با سیاست کیفردهی خود در پی ممانعت از این‌گونه رفتارها برمی‌آید (اکبری، ۱۳۹۶: ۳۳۵). نظریه حمایت‌گرایی قانونی را می‌توان به دو قسم فیزیکی و اخلاقی تقسیم کرد. حمایت‌گرایی فیزیکی سعی دارد تا از بروز رفتارهایی که سبب اضرار به جسم و جان عامل می‌گردد و یا زمینه ورود آن را فراهم می‌سازد را ممانعت نماید. قوانینی که رضایت قربانی را در قتل یا ضرب و جرح نمی‌پذیرد را تصویب سازد. باتوجه به نظریه پدرسالاری قانونی یا حمایت‌گرایی قانونی، جرم‌انگاری عدم رعایت پوشش توسط حکومت اسلامی قابل توجیه است، زیرا بی‌حجابی باعث اشاعه بی‌بند و باری اشاعه فحشا، اختلاط زن و مرد و ایجاد تشنت فکری در خانواده‌ها می‌شود. دولت باتوجه به نظریه قیم‌مایی نظری، برای جلوگیری از مضرات و آسیب‌های روانی بی‌حجابی، می‌تواند زنان جامعه را به داشتن پوشش الزامی الزام و اجبار نماید.

می‌تواند حتی پوشش مردانه داشته باشد و مفاهیمی همانند حیا، عفت، در این نظریه مفقود است، در نتیجه این نظریه بی‌حجابی ناهنجاری و کج‌روی محسوب نشده و جرم‌انگاری آن با هنجارهای فمینیستی در تعارض است، زیرا فمینیست‌ها کاملاً علی‌رغم بی‌حجابی در جامعه این رفتار را هنجار می‌نامند (رجبی، ۱۳۷۹: ۷۶). بر مبنای چنین نظریه‌ای حجاب برابر با ظلم و ستم علیه جامعه زنان به نوعی کنترل اجتماعی و سرکوب آزادی‌های آنان است (احمدی جلفایی، ۱۳۸۴: ۲۵). در پایان این قسمت باید یاد آوری کنیم که مهم‌ترین عوامل بی‌حجابی در جامعه ما در بین زنان، تجربه و تمایل دوستی با جنس مخالف و استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و مدگرایی، مسافرت به خارج، افسردگی و ... می‌باشد. برخی از نظرات در وجود مجازات بیشتر و برخی در تدابیر اصلاحی و درمانی بیشتر و مؤثر درخصوص بی‌حجابی می‌اندیشد و پیامدهای منفی برخورد کیفری را بر این معضل بی‌اثر می‌دانند و معتقد است با مسأله اعتقادی همچون بی‌حجابی نمی‌توان با اهرم مجازات برخورد کرد و فقط با عنوان آخرین ابزار می‌توان از آن استفاده نمود. بنابراین به‌نظر می‌رسد برخلاف برخی کارشناسان در امور کیفری باید به‌عنوان یک بیمار با این مسأله برخورد شود و فقط ابزار کیفری را برای افراد پرخطر استفاده نمود (عمامی، ۱۳۹۶: ۱۳۳-۱۱۲).

به‌نظر می‌رسد با بررسی و تحلیل نظرات مختلف جرم‌شناسی نظریه جرم‌شناسی اثبات‌گرایی در جرم‌انگاری حجاب مفیدتر به نظر می‌رسد، زیرا بی‌حجابی ناشی از عوامل مختلف فردی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی می‌باشد که در نظام اسلامی باید هم‌زمان ضمن تقبیح بی‌حجابی به تصحیح سیاست‌های اخلاق فردی اجتماعی و آداب خانوادگی و همچنین عدالت اقتصادی پرداخته شود تا بتوان از جرم بی‌حجابی در جامعه دینی کاست. ابزار مقابله دولت‌ها با ناهنجاری‌ها سیاست کیفردهی است، جرم‌انگاری سیاست ثابت حاکمان برای زدودن و یا کاهش رفتارهای ضداجتماعی است. درواقع کیفردهی شدیدترین و آخرین ابزار مقابله دولت‌ها با کج‌روی‌های اجتماعی است، بنابراین برای توجیه کیفردهی شدیدترین و آخرین ابزار مقابله اجتماعی دولت‌ها می‌باشد. بنابراین برای

رسد که پژوهشگران حوزه لیبرالی می‌گویند: جرم‌انگاری‌های خصوصی فردی افراد را محدود و مضیق سازد، لذا با ابزار کیفری نمی‌توان زنان جامعه اسلامی را ترغیب به رعایت پوشش اسلامی نمود و باید با پذیرش آزادی‌های فردی فرصت‌های مناسبی را هم‌جهت رشد و تعالی شهروندان فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های چالش‌های نظری و حقوقی در جرم‌انگاری بی‌حجابی، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، خسارات ناشی از رفتار دیگران منحصر به زیان‌های مادی نیست و زیان‌های معنوی علی‌رغم غیر ملموس بودن آن قابل مطالبه می‌باشد. این گونه خسارات لطماتی هستند که به اعتبار، حیثیت و آرامش روحی و روانی افراد وارد می‌شود. این خسارات را می‌توان با توسل به آیات قرآن و روایات مأثوره از ائمه معصومین (ع) استفاده کرد. علی‌رغم تفسیرهای متفاوت از حدیث نبوی لاضرر و لاضرار فی الاسلام براساس مبانی فقهی و حقوقی، به نظر می‌رسد عدم رعایت پوشش که به صورت علنی و آشکار انجام می‌پذیرد، رفتاری است که بر بخش اعظمی از جامعه دینی خسارات معنوی جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد. این رفتار باعث از بین بردن آرامش و اذیت و آزار روانی مؤمنان می‌شود و براساس مبانی جرم‌انگاری و اصل تکلیف‌مداری دینی قابل توجیه است. حکومت دینی با توجه به چالش‌های نظری جامعه شناختی مختلف، با تمسک به قواعد فقهی لاضرر، لاجرح و بنای عقلا وظیفه دارد این پدیده ناهنجار را جرم‌انگاری نماید و استفاده از نظرات جامعه‌شناختی جرم‌انگاران، از قبیل نظریه پدرسالاری و حمایت‌گرایی قانونی و حمایت‌گرایی اخلاقی در جامعه ما نمی‌تواند کاربرد داشته باشد، چراکه با هیچ‌کدام از معیارهای دینی ما سازگاری ندارد. این تحقیق نشان می‌دهد حکومت دینی می‌تواند با توجه به شروط علنی بودن بی‌حجابی و توجیه‌ناپذیری آن آزادی‌های فردی افراد را محدود و برای مستنکفین آن مجازات تعیین نماید.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

دومین نظریه توجیه‌پذیری جمالی بی‌حجابی، اخلاق‌گرایی قانونی است. در این نظریه نه‌تنها جرم‌انگاری، هدفش محافظت و دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل اضرار و آزار دیگران است، بلکه هدفی والاتر در نظر حاکمان می‌باشد و آن پاسداشت از اصول اخلاقی جامعه می‌باشد (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۲). اگر جامعه‌ای اخلاق‌مدار باشد، مردم و جامعه به سعادت و کمال می‌رسند. از نظر معتقدین به این نظریه، زوال و انحطاط جامعه زمانی آغاز می‌شود که ستون اخلاق و قواعد اخلاقی در آن جامعه بلغزد و اندک‌اندک اصول اخلاقی آن تخریب شود، لذا براساس این نظریه، کمال انسان و سعادت بشری، غایت و هدف والای تمامی امکانات بشری است. تمام این امکانات باید در غنی‌سازی و حفظ ارزش‌های بشری به کار گرفته شوند.

جرمانگاری و سیاست کیفردهی در چنین جوامعی، ابزار رسیدن مردم به این اهداف عالی می‌باشند. اخلاق‌گرایان بر این باورند که برای حفظ اخلاق نیاز است حقوق بشری به کار گرفته شود تا در صورت لزوم جامعه به افراد با کنش‌های ضداخلاقی، واکنش کیفری با ضمانت اجرای مناسب نشان داده شود، لذا **لورد دولین** به‌عنوان یکی از طرفداران این نظریه بر این باور است که کارکرد حقوق جزا، الزام اصول اخلاقی است و بر این اساس غلبه‌بودن رفتار و ممانعت از کمال، برای مداخله نظامی کیفری کافی است (آقابابایی و رضایی زادفر، ۱۳۹۳: ۲۱-۱). براساس این تئوری، آنچه مطرح می‌شود، این سؤال است که آیا بی‌حجابی امری متعارض با اخلاق است که جرم‌انگاری آن توجیه‌پذیر باشد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال راحت نخواهد بود، زیرا دیدگاه اخلاق نسبی در این مقوله پرننگی خود را نشان خواهد داد. این نظریه‌پردازان در باب اخلاق می‌گویند: زمانی می‌توان رفتاری را اخلاقی به‌شمار آورد که در آن الزام و اجباری نباشد، بلکه یک میل باطنی و قلبی و طیب به‌نفس باطنی در آن رعایت شده باشد. از سوی دیگر رفتار ضداخلاق اجتماعی رفتارهایی هستند که دارای سرزنش اجتماعی هستند، ولی حقوق کیفری در آن‌ها دخالت نداشته و اساساً سیاست حقوق کیفری وظیفه‌ای در حفظ آن ندارد (محمودی و بابایی، ۱۳۹۹: ۲۷۴-۲۵۳). پس صرف سرزنش اجتماعی دلیلی بر دخالت کیفری نمی‌شود. در پایان یادآوری این نکته ضروری به‌نظر می‌

- سهم نویسنده‌گان: برابر است.
- تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.
- تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.
- منابع و مآخذ
- قرآن کریم
- احمدی جلفایی، حمید (۱۳۸۴). *حجاب برتر*. چاپ اول، قم: انتشارات زائر.
- آخوندی، محمود (۱۳۶۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: نشر سازمان چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آقابابایی، حسین و رضایی زادفر، بهناز (۱۳۹۳). «جرمانگاری اعتیاد به مواد مخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۱(۱): ۱-۲۱.
- آقابخشی، علی اکبر؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. چاپ اول. تهران: نشر چاپار.
- اکبری، شایان (۱۳۹۶). «همایش ملی گزارش علمی کاربردی به حوزه عفاف و حجاب». تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- الهیان، امین (۱۳۹۶). «هنرم جرم‌نگاری پدیده بی‌حجابی و بدحجابی». تهران: همایش ملی نگرش علمی و کاربردی با حجاب- دانشگاه الزهرا.
- بجنوردی، حاج‌میرزا حسن (۱۳۸۹). *القواعد الفقهیه*. جلد دوم، چاپ سوم، نجف: چاپ مطبوعه الادب.
- پیکا، ژوژ (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۸). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۴). *بررسی جرم محاربه در حقوق کیفری ایران*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۴). «ساخت اقتدار سلطانی، آسیب‌پذیری‌ها و بدیل‌ها». *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۱۵(۹۱-۹۲): ۴۵-۵۷.
- حیدری، فاطمه و امیریان فارسانی، امین (۱۳۹۹). «تحلیل جرم بی‌حجابی در نظام عدالت کیفری ایران». *مجله تحقیقات حقوق قضایی*، ۲(۱): ۱۷۳-۱۹۶.
- دشتی، محمد (۱۳۸۶). *نهج‌البلاغه*. جلد سوم و چهارم، چاپ دوم، تهران: نشر پیام آزادی.
- رابرت، وایت (۱۳۹۰). *جرم و جرم‌شناسی*. ترجمه علی سلیمی، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رجبی، سوزان (۱۳۷۹). *زنان و فمینیسم*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانش و اندیشه.
- صالحی، رضا و ملکی راسته‌کناری، هلیدا (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر ماهواره بر پوشش دختران دبیرستانی». *نشریه پژوهشنامه*، ۳۴(۷۴): ۱۱۵-۱۵۶.
- عمامی، زهراسادات (۱۳۹۶). «تحلیل جرم‌شناسی - مسأله عدم رعایت حجاب شرعی در ایران». *دوفصلنامه قانون*، ۴(۱۹): ۸۷-۱۱۶.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹). *من وحی القرآن*. چاپ دوم، بیروت: دار الملائک.
- فلاحی، احمد (۱۳۹۳). *اصل ضرورت در جرم‌نگاری*. چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- قرائتی محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. چاپ یازدهم، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاظم‌پور ساریدرق، الهام؛ یاری، جهانگیر؛ سفیری، خدیجه؛ معروف‌پور، مینا؛ قلی‌پور، آرزو؛ جوانمرد، غلامحسین؛ گل محمدزاده، زینب و عبدالله‌پور، نازی (۱۳۹۷). «بررسی تحلیلی

- حجاب ازدیدگاه ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت)». نشریه زن و مطالعات خانواده، ۱۰(۳۸): ۶۹-۹۷.
- حجاب ازدیدگاه ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت)». نشریه زن و مطالعات خانواده، ۱۰(۳۸): ۶۹-۹۷.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲). قواعد فقه (بخش مدنی). جلد اول، چاپ سیزدهم، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمودی اشتهاردی، محمد (۱۳۹۶). پوشش زن در اسلام، چاپ سیزدهم، قم: انتشارات ناصر.
- محمصانی، صبحی (۱۹۸۲). النظریه العامه. الطبعة الاولى، بیروت: دارالعلم للملایین.
- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲). «مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌نگاری». رساله دکتری به راهنمایی استاد محمد آشوری، تهران: دانشگاه تهران.
- مرتضی و بابایی، محمدعلی (۱۳۹۹). «مبانی جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در حقوق کیفری ایران». مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ۳(۲۱): ۲۵۳-۲۷۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مسأله حجاب. چاپ اول، تهران: نشر صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). انوار الفقاهه فی احکام العتره الطاهره (کتاب البیع). جلد سوم، چاپ ششم، قم: انتشارات مدرسه امیر المؤمنین (ع).
- مهرپور، حسین (۱۳۷۷). نظام بین المللی حقوق بشر. چاپ سوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- موحد، محمدعلی (۱۳۶۸). ترجمه چهارمقاله درباره آزادی. نوشته آیزایا برلین، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۸۱). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). چاپ بیست و پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و چاپ و نشر عروج.
- موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۲). ترجمه تفسیر المیزان. جلد اول، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۰۹). تقریرات فواید الاصول. چاپ اول، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- نوذری، احمدعلی؛ وطنی، امیر و قورچی بیگی، مجید (۱۴۰۱). «بررسی جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در فقه امامیه و حقوق ایران». نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶(۳): ۵۰۰-۵۰۹.
- هارت، هربرت (۱۳۸۸). آزادی، اخلاق و قانون. ترجمه محمد راسخ. چاپ اول، انتشارات طرح نو.
- ولد، جورج؛ برنارد، توماس (۱۳۸۸). جرم‌شناسی نظری. ترجمه علی شجاعی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.